

آشنایی با ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان‌گونه‌های فیروزآباد

عبدالنبی سلامی*

چکیده

مجموعه گونه‌های زبانی متداول در منطقه فیروزآباد را می‌توان ترکیبی از گویش‌ها و لهجه‌ها دانست. در این مقاله، سه گونه زبانی متعلق به گروه گویش‌های کوهمره‌ای، گروه گویش‌های لُری و گویش قشقایی و گونه‌ای زبانی متعلق به لهجه فارسی محلی از نظر ساخت آوایی و دستوری معرفی و تبیین شده‌اند. در این زبان‌گونه‌ها واکه‌های کشیده‌ای وجود دارد که جایگاه تولیدشان، جایگاه تولید واکه‌های کوتاه با کشیدگی بیشتر است. گویش‌های کوهمره‌ای و از جمله دو گویش دادنجانی و بایگانی در گذشته فعل‌های متعدی دارای ساخت کُنایی (ارگتیو) هستند و در این مورد با دیگر زبان‌گونه‌های فیروزآباد متفاوت‌اند. نشانه معرفه در گویش‌های دادنجانی، بایگانی، لُردارنگانی و دهرمی u/ow، در حیاتی eku/aku و در دژگاهی a/aku است. در قشقایی پسوند معرفه وجود ندارد. در گویش‌های مطالعه‌شده، صفت شبیه به فارسی است، جز در صفت عالی که به گونه‌ای دیگر ادا می‌شود

واژگان کلیدی: فیروزآباد، گونه‌های زبانی، ساخت آوایی، ساخت دستوری

* گویش پژوه، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس

۱. مقدمه

فیروزآباد با سابقه تاریخی دوهزارساله که پیش از به قدرت رسیدن اردشیر ساسانی نیز آباد بوده است، یکی از قدیم‌ترین شهرهای فارس است که انتظار می‌رود زبان‌گونه‌هایی بازمانده از فارسی میانه در زبان مردمش باقی مانده باشد.

آورده‌اند که «اردشیر پس از بسط قدرت خود در تمام پارس و کرمان، فرمان داد تا در گور (فیروزآباد) قصری و آتشکده‌ای برآورند.» (کریستن‌سن، ۱۳۵۱: ۱۰۷) ابن بلخی در فارسنامه ارجمند خود آورده است: «... و از آثار او آنست کی به پارس یک کوره ساختست. آن را اردشیرخوره گویند و فیروزآباد از جمله آنست.» (ابن بلخی، ۱۳۳۹: ۶۰) کریستن‌سن نیز نوشته است: «ظاهراً مؤسس سلسله ساسانی گاهی در شهر گور که جنوبی‌تر از استخر واقع و دارای باغ و گلستان‌های بسیار بود، مقام می‌کرد و آنجا را اردشیرخوره (فراردشیر) نامید.» (کریستن‌سن، ۱۳۵۱: ۱۱۴)

چنان‌که محمد معین نوشته است، شهر گور یا جور، در سه کیلومتری مغرب فیروزآباد امروز واقع بوده است و عضدالدوله دیلمی آن را از گور به فیروزآباد تغییر نام داد. (معین، ۱۳۶۳: ۱۳۹۴) این شهر امروز در ۱۱۶ کیلومتری جنوب شیراز واقع است و از شرق به شهرستان‌های جهرم و خنج، از شمال به شهر گوار، از غرب به شهر فراشبند و از جنوب به استان بوشهر محدود است. این محدوده قبل از زمانی است که قیر و کارزین و، اخیراً، فراشبند از آن جدا و مستقل گردند، بوده است.

محمد معین در معرفی آبادی‌ها و قصبات فیروزآباد نوشته است: «شهرستان فیروزآباد از دو بخش مرکزی و قیروکارزین تشکیل شده است. مجموع قرا و قصبات آن ۱۳۸ و جمع نفوس آن ۱۲۱۵۴۸ تن می‌باشد. بخش مرکزی آن شامل هفت دهستان است: حومه، اربعه پایین، اربعه بالا، دژگاه، فراشبند، خواجه، میمند، و مجموع قرای آن ۹۶ و جمعیت آنها حدود سی هزار تن است. این منطقه محل سکونت بعضی ایل قشقایی است.» (همان: ۱۳۹۴) بخش قیروکارزین که سال‌های زیادی است از نظر اداری از فیروزآباد جدا شده و شهرستانی مستقل گشته، از بحث این مقاله خارج است.

با توجه به این تقسیم‌بندی، شهرستان فیروزآباد (پس از جدایی بخش قیروکارزین از آن) به سه بخش تقسیم شده است: بخش مرکزی، بخش فراشبند و بخش میمند. این مقاله می‌کوشد که زبان‌گونه‌های این شهرستان را در همین سه بخش مورد مطالعه قرار دهد.

این مقاله حاصل سفرهای پژوهشی طرح «گنجینه گویش‌شناسی فارس» است که در خلال گردآوری مواد گویشی منطقه فیروزآباد به دست آمده است.

۲. تقسیم‌بندی روستاهای فیروزآباد بر اساس زبان‌گونه‌های منطقه

در این مقاله بدان دلیل از تعبیر زبان‌گونه استفاده کردیم که مجموعه گونه‌های زبانی متداول در این منطقه را می‌توان ترکیبی از گویش‌ها و لهجه‌ها دانست. به عبارت دقیق‌تر در این مقاله، سه گونه بررسی شده گویش و یکی با نام لهجه معرفی و تبیین شده‌اند. لازم به ذکر است که گویش مردم شهر فیروزآباد همچون دیگر شهرهایی که از مردمان مختلف منطقه تشکیل شده است و همچنین به علت حضور افراد غیر بومی در ادارات دولتی و دانشگاه‌های آن، زبان فارسی است، اگرچه گروه‌های مهاجر حاضر در شهر، در اجتماعات خود، به زبان مادری خود سخن بگویند.

۱. گروه گویش‌های کوهمره‌ای: در فارس سه منطقه کوهستانی با نام کوهمره وجود دارد. از این سه، دو تاییش در شهرستان کازرون با نام‌های کوهمره نودان، در شمال و کوهمره جروق در شرق این شهرستان قرار دارد. منطقه سوم کوهمره سرخی است که بخشی از آن به مرکزیت روستای ریچی، در جنوب غربی شیراز، و بخش دیگر آن در شمال فیروزآباد واقع در دهستان خواجه‌ای بخش میمند است. سخنگویان این گویش در محدوده شهرستان فیروزآباد عبارتند از: بیروکان *birowkun*، میگلی *meygoli*، آنارمه *anar-me*، دادنجان *daðenjun*، مُرگان *morgun*، چنارسوخته *čenar-suxte*، گیاه‌زار *giya:zar*، بایگان *boygun*، باچون *bačun* و نارک *narak*.

۲. گروه گویش‌های لُری: در شهرستان فیروزآباد تعدادی روستا وجود دارد که مردمانش از سمت کهگیلویه و بویراحمد و ممسنی به دلایلی چند از جمله دعوای قومی، تبعید و یا به دلیل شجاعت در جنگ، برای حفاظت از قلمروهای حکام وقت بدین نقاط مهاجرت کرده‌اند. اینان با وجود جدایی از منطقه اجدادی که در دو-سه قرن اخیر صورت گرفته، گویش مادری خود را با همه تأثیری که در ساخت واژگان از گویش‌ها و زبان‌گونه‌های غیر لُری پذیرفته‌اند، کم‌وبیش حفظ کرده‌اند. از روستاهای لُری‌زبان می‌توان دولت‌آباد با گویش حیاتی *hayati* در دهستان دژگاه، دارنگان لُری *darengun-e lor* در دهستان خواجه‌ای، امیرسالار *amir-salar*، بُن خَفَرک *bon-e xafrak*، مُرادآباد و جانی‌آباد در بخش میمند نام برد.

۳. لهجه فارسی محلی: اغلب مردم روستاهای شهرستان فیروزآباد، در صورتی که از گروه-های لُر یا کوهمرّه‌سرخ یا قشقایی نباشند، به لهجه فارسی محلی سخن می‌گویند. مانند مردم روستاهای احمدآباد، کی‌زرین key-zarrin (گیلک gilak)، کیلیسی‌یون kilisiyun، خرّقه xerqe، رودبار rudbal، امامزاده، شهرک دستغیب، جبَل‌انارویه jabal-anaruye، دولت-آباد (در بخش حومه)، خَویدمبارکی xavid-mobarake، شبانکاره، صحرای سفید، پَرِ زیتون par-e zeytun و

۴. گویش قشقایی: روستاهای تُرک‌نشین فیروزآباد که عمدتاً از طایفه شش‌بلوکی و تعدادی فارسیمدان هستند، عبارتند از: جهادآباد، موشگان mušgun، نجف‌آباد، سَر‌میدان sar-meydun، کُرش‌آباد دژگاه و

لازم به ذکر است که در تعدادی از روستاهای این شهرستان، ممکن است فارس‌زبانان و ترک‌زبانان در کنار هم زندگی کنند. مثل روستاهای سَر‌تُل sar-e tol، جُوکان jovakun، ناصرآباد، امین‌آباد، دِه‌بَرم de:barm، جای‌دشت، نُودران nowdarun، باغ‌شاه (شهرک مطهری) و گویش تمامی مردم قشقایی گونه‌ای ترکی است که اگرچه با زبان ترکی آذربایجانی خویشاوند است اما در واژگان تفاوت دارد. از نظر تلفظ نیز در بسیاری از واژه‌های مشابه، اختلاف محسوس وجود دارد.

۳. روستاهای مطالعه‌شده:

دادنجان dadenjun:

تابع بخش میمند و مرکز دهستانی به همین نام است. این دهستان که مرکزش در نزدیکی کوه گُرم واقع است، از جنوب به روستای باچون و بایگان، از شرق به دهستان خواجه، از شمال به دهستان سیاخ و از غرب به شهرستان فراشبند محدود است. اگرچه دادنجان مرکز دهستان است، اما به علت دوری از مرکز شهرستان و در بن‌بست بودن طبیعت بکر کوهمرّه‌سرخ، از امکانات چندانی برخوردار نیست. جمعیت آن که در سال ۱۳۸۴، ۸۲ خانوار بوده، در سال ۱۳۹۰ به ۸۹ خانوار (۴۴۵ نفر) رسیده است. شغل عمده مردم آنجا، همچون دیگر مردم منطقه، کشاورزی و دامداری است. کشاورزی آن به صورت دیم و فاریاب است که در زمین‌های دیم گندم و جو و در زمین‌های فاریاب برنج‌کاری می‌شود. روستا دارای یک دبستان پنج کلاسه با ۲۴ دانش‌آموز دختر و پسر و مدرسه راهنمایی با ۳۲ دانش‌آموز است که به صورت مجتمع آموزشی اداره می‌شود.

آشنایی با ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان‌گونه‌های فیروزآباد ۴۱

همچنین روستا از نظر بهداشتی دارای خانه بهداشت، درمانگاه با حضور پزشک، ماما و کاردان بهداشت است. گویش آنها کوهمره‌ای است که علاوه بر داندجان در روستاهای منطقه از جمله مُرگان *morgun*، میگیلی *meygoli*، کُمیلی *komeyli*، انارمه *anarme*، چنارسوخته، گیاه‌زار و... تکلم می‌شود.

بایگان *boygun*:

روستای بایگان جزو بخش حومه فیروزآباد است که در ۱۵ کیلومتری غرب آن قرار دارد. این روستا که در دشتی وسیع واقع است، از شمال به فاصله دو کیلومتری به کوه شاه‌نشین، از غرب به فاصله چهار کیلومتری به کوه هَدَر *hadar*، از جنوب به فاصله چهار کیلومتری به کوه سی‌یخی *si-yaxi* و از شرق به فاصله پانزده کیلومتری به کوه پیدنو *pineku* محصور است. مردم آن عمدتاً از تیره گورکانی هستند که با تیره‌های گُلکی *golaki* در روستاهای باچون و چنارسوخته و مهرکی *me:raki* در روستای مهرکی خویشاوندند. اینان در کُل، جزو طایفه کُهکی *kohaki* محسوب می‌شوند که با مردم طایفه سرخی در منطقه کوهمره سرخی ضمن خویشاوندی، از نظر آداب و رسوم و زبان به هم نزدیک‌اند. جمعیت تقریبی آن ۵۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۹ برآورد شده است. در بایگان علاوه بر گورکانی‌ها حدود سی خانوار قشقایی از تیره‌های نمدی *namadi* و سُهرانلو *sohranlu* که جزو طایفه شش‌بلوکی‌اند، زندگی می‌کنند. بایگان از نظر آموزشی دارای دو دبستان، دو مدرسه راهنمایی، دو دبیرستان و یک کودکستان است. از نظر بهداشتی نیز دارای خانه بهداشت و از نظر رفاهی و خدماتی دارای دفتر مخابرات و برق و آب لوله‌کشی است. مردم آن عمدتاً کشاورز و تعدادی دامدارند.

دژگاه *dozga* و دولت‌آباد *dowlat-abad*:

دهستان دژگاه که در گذشته به سبب وجود قلعه‌های نظامی بر سر راه فیروزآباد به بندر سیراف بدین نام نامیده شده، بر روی طول جغرافیایی ۵۲ درجه و ۱۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۲۸ درجه و ۵ دقیقه واقع و به وسعت ۱۵۴۶۷ کیلومتر مربع، در حدود ۱۳۰ کیلومتری جنوب فراشبند (از جاده قدیم وخاکی) و ۱۲۰ کیلومتری جنوب غربی فیروزآباد (از جاده جدید و اسفالتی) قرار دارد. این منطقه از شمال به دهستان اربعه سفلی، از شرق به کوه‌های اربعه، از جنوب به بخش جم و ریز و از غرب به کوه‌های دهستان شنبه و کوه‌های منطقه ریز محدود است. از میان آن رودخانه مُند می‌گذرد که در میانه منطقه با دو رودخانه دارالمیزان و شور به هم می‌پیوندند و در استان بوشهر نزدیک دماغه خان به خلیج فارس می‌ریزند. مرکز آن روستای دولت‌آباد است. این دهستان از هشت روستای آباد

تشکیل شده است. چهار روستای دولت‌آباد، جوهری، عَلمدان پایین و عَلمدان بالا در سمت شرق رودخانه و دژگاه، گُوری، سوارغیب و دهنو در سمت غرب رودخانه واقع‌اند. روستایی دیگر به نام بهروسی نیز وجود داشته است که امروزه خالی از سکنه است. جمعیت کل دهستان (غیر از عشایر آن) در سال ۱۳۸۴ طبق آمار خانه‌بهداشت، ۵۴۰ خانوار (۲۸۷۱ نفر) بوده است، که از این جمعیت ۶۸ خانوار آن در روستای دژگاه، ۱۴۲ خانوار در روستای دولت‌آباد و ۱۰۵ خانوار در روستای گُوری زندگی می‌کنند. شغل اغلب آنها کشاورزی و کمتر دامداری است. مردم منطقه زبان‌گونه‌های مختلفی دارند که عمدتاً فارسی محلی است جز مردم دولت‌آباد که گویش لری دارند و گویششان نسبت به گویش لُری ممسنی، کهگیلویه و بویراحمدی از نظر فارسی‌زبانان روان‌تر است. مردم عشایر نیز عمدتاً تُرک‌زبان‌اند و زبانشان ترکی قشقایی است.

دارنگان لُر *darengun-e lor*:

روستای کوچکی است که در دهستان خواجه‌ای بخش میمند قرار دارد. جمعیتش در سال ۱۳۸۴، ۶۶ خانوار (۳۶۳ نفر) بوده است. شغل مردم آنجا چون دیگر روستاهای این دهستان کشاورزی و حدود ده خانوار دامدارند. زنان مُسن‌تر لباس محلی لُری برتن دارند اما جوان‌ترها لباس زنان شهری را می‌پوشند. روستا از نظر امکانات اجتماعی دارای دبستان مختلط، خانه‌بهداشت، دفتر مخابرات، فروشگاه تعاونی روستایی، آب شرب مناسب و برق و جاده آسفالته است. گویششان با گویش حیاتی روستای دولت‌آباد خویشاوند است.

دهرم *dehram*:

بخش دهرم به مرکزیت روستای دهرم یکی از بخش‌های شهرستان فرشبند است که در حدود ۶۰ کیلومتری جنوب آن قرار دارد. در دوره‌های پیش از اسلام و پس از آن بر سر شاهراه باستانی فیروزآباد به سیراف واقع و بسیار آباد بوده است. این مکان در قرن‌های اولیهٔ اسلام جزو ولایت ماندستان و محل قشلاق عشایر آن زمان و بعدها شبانکاران و در چند قرن اخیر قشقایی‌ها بوده است. در زمان قاجاریه به عنوان یکی از بلوک‌های فارس مطرح بوده که آنرا «محال اربعه» - نامیده‌اند. طبق نوشته‌های جغرافی‌نویسان این دوره از جمله مؤلف فارسنامهٔ ناصرلی این محال شامل دهرم، دهرود، هنگام و رودبال بوده است. دهرم در فرهنگ جغرافیایی ایران دهی از دهستان اربعهٔ پایین بخش مرکزی شهرستان فیروزآباد معرفی شده است. امروزه با توجه به شهرستان شدن فرشبند، از حوزهٔ شهرستان فیروزآباد جدا و مرکز بخشی از شهرستان فرشبند است. شغل عمدهٔ

مردم کشاورزی و دامداری است. قالی‌بافی و گلیم‌بافی نیز از جمله مشاغل خانگی زنان آن دیار است (نقل به مضمون: امیری، ۱۳۸۲: ۴۳۱).

۴. ایلات و عشایر فارس:

قبل از پرداختن به وضعیت قشقای‌ها در فارس و به ویژه در فیروزآباد، بی‌مناسبت نیست که خلاصه‌ای از وضعیت ایلات فارس بیان شود تا شناختی مختصر از تنوع اقوام فارس، غیر از مردم بومی آن به دست دهیم.

سرزمین فارس از هزاران سال پیش تا کنون ایل‌نشین بوده است. از این جهت ایلات و عشایر متعددی در نقاط مختلف آن به شیوه یکجانشینی یا کوچ‌نشینی زندگی می‌کنند. مهم‌ترین ایلات فارس از هر دو گروه عبارت‌اند از: الف- ایل قشقای: که ترک‌نژادند و پس از قرن‌ها گروهی از آنها دست از کوچیدن شسته و در نقاط مختلف فارس یکجانشین شده‌اند. ب- لرها: که به دو گروه کهگیلویه‌ای‌ها و شول‌ها (مردم ممسنی) که منشأ لر دارند تقسیم شده‌اند و گرچه تماماً یکجانشین نیستند، اما کمتر در مسیرهای طولانی کوچ می‌کنند. پ- ایلات خمسه (پنجگانه): که عبارت‌اند از: ۱- ایل اینانلو یکجانشین و از نژاد مغول ترکستان هستند و در زمان هجوم مغولان به ایران مهاجرت کرده‌اند. بخشی از آنها در مناطق داراب، فسا و خفر زندگی می‌کنند. ۲- ایل بهارلو اینان نیز یکجانشین‌اند و از تبار ترکان ترکستان هستند و گویا در دوره سلجوقیان تا مغولان به ایران مهاجرت کرده‌اند و امروزه نوادگان آنها در مناطقی از داراب زندگی می‌کنند. ۳- عرب‌ها از چند طایفه و تیره از جمله جبّاره‌ها و شیبانی‌ها تشکیل شده‌اند و در نقاطی از کازرون، ممسنی، سرچاهان و بوانات زندگی می‌کنند. ۴- ایل باصری از ایلات قدیم و ریشه‌دار ایران هستند. امروزه در مناطقی از جهرم و داراب و لارستان زندگی می‌کنند (نقل به مضمون: دومورینی، ۱۳۷۵: ۳۰-۳۸). ت- ایل گاویاز (پاپی): گویا این گروه در اصل «از هندوستان پراکنده اکناف گشته‌اند... و آنچه در مملکت فارس پراکنده‌اند جمعی از آنها به معامله گاو معیشت کنند... و جماعتی لباس سیادت پوشیده تکدی شیئی‌للهی را شعار خود دارند و پاره‌ای مدعی علم شانه گوسفند گشته، به فراست تمام و مناسبت مقام، عوام کالانعام را فریب داده، به دعوی علم غیب وجهی برسبیل نیاز می‌ستانند و ایل گاویاز در تیول سیورغال نقیب قلندران و درویشان مملکت فارس است» (حسینی

فسایی، ۱۳۶۷: ۱۵۸۲). علاوه بر این ایل‌ها، فسایی ایل‌های کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تری را نام برده است که یادکرد آن در حوصله این مقاله نیست.

۴. ۱. ایل قشقایی:

بر سر منشأ و مأوای قشقایی‌ها قبل از ورودشان به ایران در بین قوم‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد؛ اما در اینکه آنها ترک‌نژاد می‌باشند، اختلافی نیست. ایل قشقایی به قولی از ترکمانان دشت قبچاق هستند که ابتدا به نواحی بین هندوستان و سیستان رفته، سپس به عراق راه یافته‌اند و آخرالامر در فارس متوطن شده‌اند (معین، ۱۳۶۳: ۱۴۶۵). همچنین گفته‌اند که قشقایی‌ها مغول‌هایی هستند که در زمان سلطنت چنگیزخان از ترکستان مهاجرت کرده و در زمان نادرشاه در فارس سکنی گزیده‌اند (دومورینی، ۱۳۷۵: ۲۶).

فسایی نیز در مورد گذشته این ایل نوشته است: «چون ایل خلیج از اراضی ممالک روم به خاک عراق آمدند، گروهی از آنها فرار کرده، در مملکت فارس توقف نمودند و مردمان خلیج این گروه را «قاچ‌قانی» گفتند یعنی گریخته و بعد از تغییرات لفظی «قشقایی» شد» (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۵۸۰). ایل قشقایی بنا بر نظر دومورینی متشکل از سیزده طایفه است. شش‌تای آنها از بقیه مهم‌تر و پرجمعیت‌تر و طبیعتاً در گستره وسیع‌تری در فارس پراکنده‌اند. مثل طایفه‌های کشکولی، دره‌شوری، شش‌بلوکی، فارسی‌مدان، عمله و خلیج. بقیه طایفه‌ها عبارتند از صفی‌خانی، رحیمی، گله‌زن، ایگدر، گهوا، کُرابی، و بیات (دومورینی، ۱۳۷۵: ۳۰). فسایی ۶۶ طایفه و تیره را از ایشان برشمرده است (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۵۸۲).

۵. ویژگی زبان‌گونه‌های شهرستان فیروزآباد:

براساس گوناگونی زبان‌گونه‌های فیروزآباد، ساختار گویشی این شهرستان متفاوت است. این تفاوت بین زبان‌گونه‌های ایرانی (کوهمره‌ای، لُری و فارسی محلی) با گویش قشقایی، بسیار فاحش است. در بین زبان‌گونه‌های ایرانی نیز تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد که بیشتر در ساخت صرفی و نحوی وجود دارد. به خصوص این تفاوت در گذشته فعل‌های متعدی کاملاً مشهود است. در ادامه این نوشتار سعی خواهد شد که ساختار آوایی و دستوری این زبان‌گونه‌ها به‌اجمال بررسی شود.

آشنایی با ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان گونه‌های فیروزآباد ۴۵

۱.۵. ساخت آوایی: براساس مطالعه‌ای که در مورد زبان گونه‌های منطقه از جمله: دژگاهی، دولت‌آبادی/حیاتی و گوری (در دهستان دژگاه)، ده‌نوی، آویزی، دهرمی، باچونی و نازکی (در شهرستان فراشبند)، میمندی و امیرسالاری (در بخش میمند)، دادنجانی، لُردارنگانی و بیروکانی (در دهستان خواجه‌ای) و بایگانی در بخش مرکزی فیروزآباد انجام گرفته، نظام واجی/آوایی زبان گونه‌های مزبور به صورت زیر قابل شنیدن است.

۱.۱.۵. همخوان‌ها (صامت‌ها):

b f t s š č k/ x q h r l m n y

p v/w d/ð z ž j g/ġ γ

۲.۱.۵. واکه‌ها (مصوت‌ها): پسین میانه پیشین

i u/u:

e/e: o/o:

a/a: a̠/a̠:

توصیف همخوان‌ها (صامت‌ها):

واج	مثال	معادل	محل تولید
b	bard	سنگ	دولبی، انسدادی، واک‌دار
p	paru	هذیان	دولبی، انسدادی، بی‌واک
f	faza	حیاط	لب و دنداننی، سایشی، بی‌واک
v	vaqqa	یک‌هشتم من	لب و دنداننی، سایشی، واک‌دار
w	wuš	از ادات تعجب	لبی، گرد، سایشی، واک‌دار
t	teš	شیش	دنداننی/لثوی، انسدادی، بی‌واک
d/ð	deyi / daða	مادر / خواهر	دنداننی/لثوی، انسدادی/سایشی، واک‌دار
s	sova	فردا	لثوی، سایشی، بی‌واک
z	zizu	جوجه تیغی	لثوی، سایشی، واک‌دار
š	šigar	شوهر	لثوی/کامی، سایشی، بی‌واک
ž	giždom	هزارپا	لثوی/کامی، سایشی، واک‌دار
č	čeng	منقار	لثوی/کامی، انسدادی، بی‌واک
j	jija	جوجه	لثوی/کامی، انسدادی، واک‌دار

پسکامی/ پیشکامی، انسدادی، بی-واک	برادر/ کپر	kaka / apar	k /
پسکامی/ پیشکامی، انسدادی، بی-واک	زنپوروحشی/ یبوست	gonj / ĝir	g /ĝ
ملازی، سایشی، بی‌واک	خون	xin	x
ملازی، سایشی، واک‌دار	غریبال	ɣalvər	ɣ
لثوی/ کناری، روان، واک‌دار	جالیز	latta	l
لثوی، لرزشی، واک‌دار	موریانه	rošmiz	r
دولبی، خیشومی، واک‌دار	مو	min	m
لثوی، خیشومی، بی‌واک	مادر بزرگ	nana	n
توالی «ن و گ» در قشقای	دیروز	dinaŋ	ŋ
ملازی، انسدادی، واک‌دار	قیف	qem	q
چاکنایی، سایشی، بی‌واک	بُرْمَجَه	hoša	h
	اسب بارکش	yabu	y

توصیف واکه‌ها (مصوت‌ها):

پسین، گرد، باز و کشیده	سیبزمینی	aɭu	ɑ
پیشین، گسترده، باز و کوتاه	انگور	anĝir	a
پیشین، نیم‌گسترده، نیم‌باز و کوتاه	شکار	eškaɭ	e
پیشین، گسترده، بسته و کشیده	اینجا	inje	i
پسین، نیم‌گرد، نیم‌باز و کوتاه	امروز	omru	o
پسین، گرد، بسته و کشیده	آنجا	uje	u
پسین، گرد، بسته و نیم‌کشیده	آویشن	owšom	o w

در این زبان گونه‌ها واکه‌های کشیده‌ای وجود دارد که جایگاه تولیدشان، جایگاه تولید واکه‌های

کوتاه با کشیدگی بیشتر است. مثال: na:ni = ننو/ گهواره، se:čer = سار، kolo:m = کلوخ.

آشنایی با ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان گونه‌های فیروزآباد ۴۷

در مورد واکه‌های بلند نیز همین امر صادق است. مثال: xɑ:lu = دایی، ru:ða = روده، i:ča = کوچه.

۵.۲. ساخت دستوری:

زبان گونه‌های فیروزآباد از نظر ساخت دستوری در سه گروه قرار می‌گیرند:

اول. گروه لری-فارسی: که کاملاً از این نظر با زبان فارسی معیار یکسان‌اند و تفاوتی در اجزای جمله در آنها وجود ندارد.

دوم. گروه کوهمره‌ای: به دلیل ساخت کُنایی (ارگتیو) در گذشته فعل‌های متعدی با گروه لری-فارسی کاملاً متفاوت‌اند.

سوم. گروه قشقایی: این گویش اساساً با گروه‌های الف و ب، به ویژه در واژگان تفاوت کلی دارد.

با توجه به روش تحقیق این پژوهش که تطبیقی است، این تفاوت‌ها در مباحثی که در پی می‌آید بهتر خود را نشان می‌دهد.

۵.۲.۱. فعل:

۵.۲.۱.۱. شناسه فعل‌های گذشته لازم:

جایگاه شناسه فعل‌های لازم در همه گویش‌های مورد مطالعه، شبیه به فارسی است.

جدول ۱. شناسه فعل‌های گذشته ساده، استمراری، گذشته بعید و گذشته التزامی را نشان

می‌دهد.

جمع			مفرد			شخص/شمار	
۳	۲	۱	۳	۲	۱	گویش	
-en	-i	-um	∅	-ey	-am	دادنجانی	درا
-en	-in	-im	∅	-ey	-om	بایگانی	
-en	-in	-im	∅	-i	-om	حیاتی	را
-an	-in	-im	∅	-i	-om	لردارنگانی	
-en	-in	-im	∅	-i	-om	دژگاهی/گوری	را
-an	-in	-im	∅	-i	-om	دهر می	

-elar	- iŋz	-iġ ()	-e	-iŋ	-em	قشقای	قشقای
-------	----------	---------	----	-----	-----	-------	-------

مثال از گذشته ساده:

آمدند	آمدید	آمدیم	آمد	آمدی	آمدم	
and-en	and-i	and-um	a:mey	and-ey	and-am	دادنجانی
and-en	and-in	and-im	a:me	and-ey	and-om	بایگانی
aveyð-en	aveyð-in	aveyð-im	aveyð	aveyð-i	aveyð-om	حیاتی
umað-an	umað-in	umað-im	umað	umað-i	umað-om	لُردارنگانی
amað-en	amað-in	amað-im	amað	amað-i	amað-om	دژگاهی اگوری
umað-an	umað-in	umað-im	umað	umað-i	umað-om	دِه‌رمی
ġall-elar	ġall-iŋz	ġall-iġ ()	ġall-e	ġall-iŋ	ġall-em	قشقای

مثال از گذشته استمراری:

می- آمدند	می آمدید	می آمدیم	می آمد	می آمدی	می آمدم	
miyand-en	miyand-i	miyand-um	miya:mey	miyand-ey	miyand-am	دادنجانی
miyand-en	miyand-in	miyand-im	miya:me	miyand-ey	miyand-om	بایگانی
iveyð-en	iveyð-in	iveyð-im	iveyð	iveyð-i	iveyð-om	حیاتی
miyumað-an	miyumað-in	miyumað-im	miyumað	miyumað-i	miyumað-om	لُردارنگانی
miyamað-en	miyamað-in	miyamað-im	miyamað	miyamað-i	miyamað-om	دژگاهی اگوری
mimað-an	mimað-in	mimað-im	mimað	mimað-i	mimað-om	دِه‌رمی
ġalir-la:r	ġalird-iŋz	ġalird-im	ġali	ġalird-iŋ	ġalird-em	قشقای

مثال از گذشتهٔ بعید:

آمده بودند	آمده بودید	آمده بودیم	آمده بود	آمده بودی	آمده بودم	
anda boð-en	anda boð-i	anda boð-um	anda bi	anda boð-ey	anda boð-am	دادنجانی
ande sað-en	ande sað-in	ande sað-im	ande bi	ande sað-ey	ande sað-om	بایگانی
aveyða við-en	aveyða við-in	aveyða við-im	aveyða vi	aveyða við-i	aveyða við-om	حیاتی
umaða bið-an	umaða bið-in	umaða bið-im	umaða bi(ð)	umaða bið-i	umaða bið-om	لُردارنگانی
amaðe við-en	amaðe við-in	amaðe við-im	amaðe við	amaðe við-i	amaðe við-om	دزگاهی/گُوری
umaðe yð-an	umaðe yð-in	umaðe yð-im	umaðe bi	umaðe yð-i	umaðe yð-om	دِه‌رمی
ġalmiʃla:rde	ġalmiʃyid-iŋz	ġalmiʃyid-im	ġalmiʃd-e	ġalmiʃd-iŋ	ġalmiʃyid-em	قشقای

آمده باشند	آمده باشید	آمده باشیم	آمده باشد	آمده باشی	آمده باشم	
anda b-en	anda b-i	anda b-um	anda bu	anda b-ey	anda bo:-m	دادنجانی
ande b-en	ande b-in	ande b-im	ande bu	ande b-ey	ande b-om	بایگانی
aveyða buv-en	aveyða buv-in	aveyða buv-im	aveyða buv-e	aveyða buv-i	aveyða buv-om	حیاتی
umaða baʃ-an	umaða baʃ-in	umaða baʃ-im	umaða baʃ-e	umaða baʃ-i	umaða baʃ-om	لُردارنگاز ی
amaðe buv-en	amaðe buv-in	amaðe buv-im	amaðe buv-e	amaðe buv-i	amaðe buv-om	دزگاهی گُوری
umaðe buv-an	umaðe buv-in	umaðe buv-im	umaðe bu	umaðe buv-i	umaðe buv-om	دِه‌رمی
ġalsaydelar	ġalmiʃyid-iŋz	ġalsayid-im	ġalsayd-e	ġalsayd-iŋ	ġalsayid-em	قشقای

مثال از گذشته التزامی:

جدول ۲. شناسه گذشته نقلی را نشان می‌دهد:

جمع			مفرد			شخص/شمار	
۳	۲	۱	۳	۲	۱	گوش	
-sen	-si	-sum	-se	-sey	-sam	دادنجانی	کوه‌های
-sen	- seyn	- seym	-y	-sey	-som	بایگانی	
-ene	-ine	-ime	-e	-iye	-ome	حیاتی	لری
-a:n	-eyn	-eym	-e	-ey	-a:m	لُردارنگانی	
-a:n	-eyn	-eym	-e	-ey	-a:m	دژگاهی	فارسی محلی
-a:n	-eyn	-eym	-e	-ey	-a:m	دِه‌رَمی	
-lar	-iŋz	-aĝ (k)	-dar	-aŋ	-am	قشقای	زنگی

مثال از گذشته نقلی:

آمده- اند	آمده‌اید	آمده‌ایم	آمده است	آمده‌ای	آمده‌ام	
ande- sen	ande-si	ande- sum	ande-se	ande- sey	ande- sam	دادنجانی
ande- sen	ande- sin	ande- sim	ande-y	ande- sey	ande- som	بایگانی
aveyð- ene	aveyð- ine	aveyð- ime	aveyð- e	aveyð- iye	aveyð- ome	حیاتی
umað-a:n	umað-eyn	umað-eym	umað-e	umað-ey	umað-a:m	لُردارنگانی
amað-a:n	amað-eyn	amað-eym	amað-e	amað-ey	amað-a:m	دژگاهی/اگوری
umað-a:n	umað-eyn	umað-eym	umað-e	umað-ey	umað-a:m	دِه‌رَمی

آشنایی با ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان گونه‌های فیروزآباد ۵۱

ġalmišlar	ġalmišdiŋz	ġalmišaġ ()	ġalmišdar	ġalmišaŋ	ġalmiš-am	قشقای
-----------	------------	--------------	-----------	----------	-----------	-------

جدول ۳. شناسه فعل‌های حال و التزامی را نشان می‌دهد:

جمع			مفرد			شخص/شمار	
۳	۲	۱	۳	۲	۱	گوش	
-en	-i	-um	-a	-ey	-om	دادنجانی	کومسره‌ان
-en	-in	-im	-a	-ey	-om	بایگانی	
-an	-eyn	-eym	-a	-ey	-an	حیاتی	رژان
-an	-eyn	-eym	-a	-ey	-an	لُردارنگانی	
-an	-eyn	-eym	-a	-ey	-an	دژگاهی/گوری	فارسی محلی
-an	-eyn	-eym	-a	-ey	-an	دِهَرَمی	
-lar	-iŋz	-aġ ()	-dar	-aŋ	-am	قشقای	رژان

مثال از حال ساده:

می آیند	می آید	می آییم	می آید	می آیی	می آییم	
mey-en	mey-i	mey-um	miy-a	mey-ey	mey-om	دادنجانی
may-en	may-in	may-im	may-a	may-ey	may-om	بایگانی
iy-an	iy-eyn	iy-eym	iy-a	iy-ey	iy-an	حیاتی
miy-an	miy-eyn	miy-eym	miy-a	miy-ey	miy-an	لُردارنگانی
miy-an	miy-eyn	miy-eym	miy-a	miy-ey	miy-an	دژگاهی/گوری
miy-an	miy-eyn	miy-eym	miy-a	miy-ey	miy-an	دِهَرَمی
ġalir-lar	ġalir-iŋz	ġalir-aġ ()	ġalir-dar	ġalir-aŋ	am-ġalar	قشقای

مثال از حال التزامی:

بیآیند	بیآید	بیآیم	بیآید	بیآیی	بیآیم	
bey-en	biy-i	bey-um	biy-a	bey-ey	bey-om	دادنجانی
bay-en	bay-in	bay-im	bay-a	bay-ey	bay-om	بایگانی
biy-an	biy-eyn	biy-eym	biy-a	biy-ey	biy-am	حیاتی
biy-an	biy-eyn	biy-eym	biy-a	biy-ey	biy-am	لُردارنگانی
biy-an	biy-eyn	biy-eym	biy-a	biy-ey	biy-am	دژگاهی/گوری
biy-an	biy-eyn	biy-eym	biy-a	biy-ey	biy-am	دهرمی
ĝal-lar	ĝal-iŋz	ĝal-ag ()	ĝal-dar	ĝal-aŋ	am-ĝal	فشقایی

۵. ۲. ۱. ۲. شناسه فعل‌های متعدی:

چنان‌که پیشتر نوشته شد، گویش‌های کوهمره‌ای و از جمله دو گویش دادنجانی و بایگانی که در گذشته فعل‌های متعدی دارای ساخت کُنایی (ارگتیو) هستند، در این مورد با دیگر زبان‌گونه‌های فیروزآباد کاملاً متفاوت‌اند.

لازم به ذکر است که چون شناسه فعل‌های متعدی در زمان حال شبیه به شناسه فعل‌های لازم است، ضمن ذکر مثال از فعل‌های حال ساده و التزامی، در جدول‌های زیر به شناسه فعل‌های گذشته متعدی می‌پردازیم.

جدول ۴. شناسه گذشته ساده، استمراری، بعید و التزامی را نشان می‌دهد.

جمع			مفرد			شخص/شمار	
۳	۲	۱	۳	۲	۱	گویش	
šu-	tu-	mu-	eš-	et-	om-	دادنجانی	کوهمره‌ای
šu-	tu-	mu-	eš-	et-	om-	بایگانی	
-en	-in	-im	∅	-i	-om	حیاتی	ری
-an	-in	-im	∅	-i	-om	لُردارنگانی	
-en	-in	-im	∅	-i	-om	دژگاهی/گوری ی	محلی

آشنایی با ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان‌گونه‌های فیروزآباد ۵۳

-en	-in	-im	∅	-i	-om	دِهَرَمی	
- elar	-iŋz	-iġ()	-e	-iŋ	-em	قشقای	دِهَرَمی

مثال از گذشته ساده:

خوردند	خوردید	خوردیم	خورد	خوردی	خوردم	
Šu-xu'a	tu-xu'a	mu- xu'a	eš-xu'a	et-xu'a	om- xu'a	دادنجانی
Šu-xa	tu-xa	mu-xa	eš-xa	et-xa	om-xa	بایگانی
xard-en	xard-in	xard-im	xard	xard-i	xard-om	حیاتی
xard-an	xard-in	xard-im	xard	xard-i	xard-om	لُردارنگانی
xard-en	xard-in	xard-im	xard	xard-i	xard-om	دژگاهی/اگوری
xard-an	xard-in	xard-im	xard	xard-i	xard-om	دِهَرَمی
yed-lar	yed-iŋz	yed-ag ()	yed-dar	yed-aŋ	em-yed	قشقای

مثال از گذشته استمراری:

می خوردند	می خوردید	می خوردیم	می خورد	می خوردی	می خوردم	
Šu- mixu'a	tu- mixu'a	mu- mixu'a	eš- mixu'a	et- mixu'a	om- mixu'a	دادنجانی
Šu- mixa	tu- mixa	mu- mixa	eš- mixa	et- mixa	om- mixa	بایگانی
ixard- en	ixard- in	ixard-im	ixard	ixard-i	ixard-om	حیاتی
mixard- an	mixard-in	mixard-im	mixard	mixard-i	mixard- om	لُردارنگانی
mixard- en	mixard-in	mixard-im	mixard	mixard-i	mixard- om	دژگاهی/اگوری
mixard-	mixard-in	mixard-im	mixard	mixard-i	mixard-	دِهَرَمی

an					om	
yeyrd- lar	yeyrd-iŋz	yeyrd-ag ()	yeyr	yeyrd-aŋ	em-yeyrd	قشقای

مثال از گذشته بعید:

خورده بودند	خورده بودید	خورده بودیم	خورده بود	خورده بودی	خورده بودم	
šu- xu'ardesa	tu- xu'ardesa	mu- xu'ardesa	eš- xu'ardesa	et- xu'ardesa	om- xu'ardesa	دادنجانی
šu- xardesa	tu- xardesa	mu- xardesa	eš- xardesa	et- xardesa	om- xardesa	بایگانی
xarda við-en	xarda við-in	xarda við-im	xarda vi	xarda við-i	xarda við-om	حیاتی
xarda bið-an	xarda bið-in	xarda bið-im	xarda bið	xarda bið-i	xarda bið-om	لُردارنگانی
xarda við-en	xarda við-in	xarda við-im	xarda við	xarda við-i	xarda við-om	دزگاهی/گوری
xarda bið-an	xarda bið-in	xarda bið-im	xarda bið	xarda bið-i	xarda bið-om	دهرمی
yemišd -lar	yemišd -iŋz	yemišd -ag ()	yemišd -dar	yemišd -aŋ	yemišd em-	قشقای

مثال از گذشته التزامی:

خورده باشند	خورده باشید	خورده باشیم	خورده باشد	خورده باشی	خورده باشم	
šu- xu'arda bu	tu- xu'arda bu	mu- xu'arda bu	eš- xu'arda bu	et- xu'arda bu	om- xu'arda bu	دادنجانی
šu- xarde bu	tu- xarde bu	mu- xarde bu	eš- xarde bu	et- xarde bu	om- xarde bu	بایگانی

آشنایی با ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان‌گونه‌های فیروزآباد ۵۵

xard a buv-en	xarda buy-in	xarda buy-im	xarda buv-e	xarda buy-i	xarda buv-om	حیاتی
xard a baš-an	xarda baš-in	xarda baš-im	xarda baš-e	xarda baš-i	xarda baš-om	لُردارنگانی
xard a buv-en	xarda buy-in	xarda buy-im	xarda buv- e	xarda buv- i	xarda buv- om	دژگاهی/گُوری
xarda bu-an	xarda buy- in	xarda buy- im	xarda buv- e	xarda v-i	xarda v-om	دِهَرَمی
yemiš- lar	yemiš-iŋz	yemiš-ag ()	yemiš-dar	yemiš-aŋ	em-yemiš	قشقای

جدول ۵. شناسه گذشته نقلی را نشان می‌دهد.

جمع			مفرد			شخص/شمار	
۳	۲	۱	۳	۲	۱	گوش	
šu-	tu-	mu-	eš-	et-	om-	دادنجانی	کُرمهرهای
šu-	tu-	mu-	eš-	et-	om-	بابگانی	
-ene	-ine	-ime	-e	-iye	-ome	حیاتی	رَی
-a:n	-eyn	-eym	-e	-ey	-a:m	لُردارنگانی	
-a:n	-eyn	-eym	-e	-ey	-a:m	دژگاهی/گُوری	فازسی محلی
-a:n	-eyn	-eym	-e	-ey	-a:m	دِهَرَمی	
-lar	-iŋz	-aġ (k)	-dar	-aŋ	-am	قشقای	رَی

مثال از گذشته نقلی:

خورده‌اند	خورده‌اید	خورده‌ایم	خورده است	خورده‌ای	خورده‌ام	
šu- xu'arde	tu- xu'arde	mu- xu'arde	eš- xu'arde	et- xu'arde	om- xu'arde	دادنجانی

Šu- xarde	tu- xarde	mu- xarde	eš- xarde	et- xarde	om-xarde	بایگانی
xard- ene	xard-ine	xard-ime	xard-e	xard-iyē	xard-ome	حیاتی
xard- a:n	xard-eyn	xard-eym	xard-e	xard-ey	xard-a:m	لُردارنگانی
xard- a:n	xard-eyn	xard-eym	xard-e	xard-ey	xard-a:m	دزگاهی/اگوری
xard- a:n	xard-eyn	xard-eym	xard-e	xard-eyi	xard-a:m	دِهَرَمی
yemiš- lar	yemiš-iŋz	yemiš-aĝ ()	yemiš-dar	yemiš-aŋ	am-ye:miš	قشقای

جدول ۶. شناسه فعل‌های حال ساده و التزامی نشان می‌دهد.

جمع			مفرد			شخص/شمار	گوش
۳	۲	۱	۳	۲	۱		
-en	-i	-um	-e	-ey	-om	دادنجانی	رَبَا مِهْمَرَنی
-en	-in	-im	-e	-ey	-om	بایگانی	
-en	-in	-im	-e	-i	-om	حیاتی	رَبَا
-an	-in	-im	-e	-i	-om	لُردارنگانی	
-en	-in	-im	-e	-i	-om	دزگاهی/اگوری	قَشَقَا مِطَل
-an	-in	-im	-e	-i	-om	دِهَرَمی	
-lar	-iŋz	-aĝ ()	-ar	-aŋ	-am	قشقای	رَبَا

مثال از حال ساده:

می‌خورم	می‌خورید	می‌خوریم	می‌خورد	می‌خوری	می‌خورم	
خورند						

آشنایی با ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان‌گونه‌های فیروزآباد ۵۷

mix or-en	mixor-i	mixor- um	mixor-e	mixor- ey	mixor- om	دادنجان
mix ar-en	mixar- in	mixar- im	mixar-e	mixar- ey	mixar- om	بایگانی
ixar -en	ixar-in	ixar-im	ixar-e	ixar-i	ixar-om	حیاتی
mixar- an	mixar-in	mixar-im	mixar-e	mixar-i	mixar-om	لُردارنگانی
mixar- en	mixar-in	mixar-im	mixar-e	mixar-i	mixar-om	دژگاهی اگوری
mixar- an	mixar-in	mixar-im	mixar-e	mixar-i	mixar-om	دِه‌رمی
yey -lar	yeyr-ijz	yeyr-ag ()	yeyr	yeyr-aŋ	am-yeyr	قشقای

مثال از حال التزامی:

بخورند	بخور ید	بخوریم	بخورد	بخوری	بخورم	
boxor -en	boxo r-i	boxor- um	boxor-e	boxor- ey	boxor- om	دادنجان
boxar -en	boxa r-in	boxar- im	boxar-e	boxar- ey	boxar- om	بایگانی
boxar-en	boxar-in	boxar-im	boxar-e	boxar-i	boxar-om	حیاتی
boxar-an	boxar-in	boxar-im	boxar-e	boxar-i	boxar-om	لُردارنگانی
boxar-en	boxar-in	boxar-im	boxar-e	boxar-i	boxar-om	دژگاهی اگوری
boxar -an	boxa r-in	boxar- im	boxar-e	boxar-i	boxar- om	دِه‌رمی
yey:- lar	yey- ijz	yeya:s- ag ()	yeya:se	yey-s- aŋ	am-yey	قشقای

۵. ۱. ۲. ۳. فعل مجهول:

ساخت فعل‌های مجهول در گویش‌های مورد مطالعه به قرار زیر است.

فعل مجهول → فعل کمکی « شدن » + صفت مفعولی

مثال:

انداخته می‌شود	انداخته شد	
baronda vamibu	baronda vavi	دادنجانی
baronda vamibu	baronda vabi	بایگانی
endaxta iyove	endaxta vovi	حیاتی
endaxta miše	endaxta šoḏ	لُردارنگانی
endaxte voymu	endaxte vaviḏ	دژگاهی/گوری
ennaxte veymu	ennaxte voyi	دِه‌رَمی
ate lar	ade lar	قشقایی

۵. ۱. ۲. ۴. فعل امر:

در گویش‌های مورد مطالعه با تغییراتی که در فعل حال التزامی به خصوص در شناسه فعل

حاصل می‌شود، به دست می‌آید. مثال:

نینداز	بینداز	نخور	بخور	
navaran	baran	Naxo	boxo	دادنجانی
nandaz	bendaz	Naxa	boxa	بایگانی
nandaz	bendaz	Naxar	boxar	حیاتی
nandaz	bendaz	Naxar	boxar	لُردارنگانی
nandaz	bendaz	Naxar	boxar	دژگاهی/گوری
nannaz	bennaz	Naxar	boxar	دِه‌رَمی
atma	at	Yema	ye	قشقایی

۵. ۱. ۲. ۵. نشانه مصدر:

در گویش‌های مورد مطالعه، جز گویش قشقایی، نشانه مصدر an - است. مثال:

خریدن	توانستن	آمدن	
esaḏ-an	šeys-an	and-an	دادنجانی

آشنایی با ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان‌گونه‌های فیروزآباد ۵۹

esaδ-an	toness-an	and-an	بایگانی
esityδ-an	taress-an	aveyδ-an	حیاتی
esaδ-an	tuness-an	umaδ-an	لُردارنگانی
esaδ-an	taness-an	amaδ-an	دژگاهی/گُوری
esaδ-an	tonoss-an	umaδ-an	دِه‌رَمی

در گویش قشقایی نشانه مصدر mag- است. مثال:

خریدن	توانستن	آمدن	
al-mag	bašar-mag	gal-mag	قشقایی

۵. ۲. ۲. اسم:

۵. ۲. ۲. ۱. اسم معرفه:

نشانه معرفه در گویش‌های مطالعه‌شده متفاوت است. در گویش‌های دادنجانی، بایگانی، لُردارنگانی و دِه‌رَمی u/ow، در حیاتی eku/aku، در دژگاهی /aku، و در قشقایی پسوند معرفه وجود ندارد؛ بلکه ضمیر اشاره پیش از اسم می‌آید. مثال:

آن خانه	این مرد	
u xunov-u/ u xun-ow	i aδam-u	دادنجانی
u xunov-u/ u xun-ow	i aδam-u	بایگانی
xune-y-aku	aδam-aku	حیاتی
u xunov-u/ u xun-ow	i aδam-u	لُردارنگانی
xunow-aku	aδam-aku	دژگاهی/گُوری
u xunov-u/ u xun-ow	i aδam-u	دِه‌رَمی
o av	bu(bo) adam	قشقایی

۵. ۲. ۲. ۲. اسم نکره:

نشانه نکره در گویش‌های مورد مطالعه -y، -i است. در گویش قشقایی با افزودن عدد bir که پیش از اسم می‌آید، نکره می‌شود. مثال:

سنگی	سنگ	بچه‌ای	بچه	
bard-i	bard	bače-y (yi)	bača	دادنجانی
ko:tor-i	ko:tor	bače-y	bača	بایگانی
sang-i	sang	bače-yi	bače	حیاتی
sang-i	sang	bače-y (yi)	bača	لُردارنگانی
sang-i	sang	bače-yi	bače	دژگاهی/گُوری
sang-i	sang	bače-y	bače	دِه‌رَمی
bir daš	daš	bir(dana) oγol	oγol	قشقای

۵. ۲. ۲. ۳. نشانه جمع / اسم جمع:

نشانه جمع در دادنجانی، بایگانی، حیاتی، لُردارنگانی و دِه‌رَمی -eyl /-al است که در مواردی، با افزودن نشانه معرفه (u) به -eylu/-alu تغییر می‌کند. نشانه جمع در دژگاهی a و در گویش قشقای -lar است. مثال:

سیب‌ها	سیب	مردان	مرد	
sib-al(u)	sib	aðam-al(u)	aðam	دادنجانی
sib-eyl(u)	sib	am- aðeyl(u)	aðam	بایگانی
siv-al	siv	merd-al	merd	حیاتی
sib-al(u)	sib	merd-al(u)	merd	لُردارنگانی
siv-a	siv	mard-a	mard	دژگاهی/گُوری
siv-al(u)	siv	mard-al(u)	mard	دِه‌رَمی
ałma	ałma	ađam-lar	ađam	قشقای

۵. ۲. ۲. ۴. مضاف و مضاف‌الیه:

قاعده مضاف و مضاف‌الیه در گویش‌ها، جز قشقای شبیه به فارسی است، در گویش قشقای برعکس فارسی عمل می‌شود. مثال:

آشنایی با ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان‌گونه‌های فیروزآباد ۶۱

صندوق چوبی	خانه من	
sanduq-e Čuγ-i (dar-i)	xune-y mo	زبان‌گونه‌های ایرانی
aʔaʃ sadoqe	mane av (av-em)	ترکی قشقایی

۵. ۲. ۳. صفت:

در گویش‌های مورد مطالعه، صفت شبیه به فارسی است، جز در صفت عالی که به گونه‌ای دیگر ادا می‌شود. مثال:

پیرترین	پیرتر	پیر
a: hama pir-tar / pir-tar a: hama	pir-tar	pir

در قشقایی صفت عالی مثل فارسی ادا می‌شود. مثال:

پیرترین	پیرتر	پیر
pir-tar-e:n	pir-tar	pir

جایگاه صفت و موصوف در جمله‌های گویش‌های مورد مطالعه شبیه به فارسی است جز در گویش قشقایی که قاعده‌ای شبیه به زبان‌های شمال غربی دارد. مثال:

پیراهن زیبا	انگور شیرین	
jume-y qešang (qešaŋ)	angur-e (aŋur-e) širin	دادنجانی / بایگانی
jume-y šux (šux-un qešang)	angur-e širin	حیاتی / لُردارنگانی
jume-y šux (qešang)	angur-e širin	دژگاهی / دهرمی
qašaŋ kayne	šerin izzem (izem)	قشقایی

در همه گویش‌های مورد مطالعه چنانچه موصوف جمع باشد، صفت همچنان مفرد باقی می‌ماند. مثال:

پیراهن‌های زیبا	پیراهن زیبا	
jume-yal-e qešang (qešaŋ)	jume-y qešang (qešaŋ)	دادنجانی / بایگانی
jume-yal-e šux (šux-un qešang)	jume-y šux (šux-un qešang)	حیاتی / لُردارنگانی

jume-yal-e šux (qešang)	jume-y šux (qešang)	دژگاهی / دهرمی
qašaŋ kayne -lar	qašaŋ kayne	قشقای

۶. نتیجه‌گیری

مجموعه گونه‌های زبانی متداول در منطقه فیروزآباد را می‌توان ترکیبی از گویش‌ها و لهجه‌ها دانست. در این مقاله، سه گونه زبانی متعلق به گروه گویش‌های کوهمره‌ای، گروه گویش‌های لری و گویش قشقای و گونه‌ای زبانی متعلق به لهجه فارسی محلی از نظر ساخت آوایی و دستوری معرفی و تبیین شده‌اند. در این زبان‌گونه‌ها واژه‌های کشیده‌ای وجود دارد که جایگاه تولیدشان، جایگاه تولید واژه‌های کوتاه با کشیدگی بیشتر است. گویش‌های کوهمره‌ای و از جمله دو گویش دادنجانی و بایگانی در گذشته فعل‌های متعدی دارای ساخت کُنایی (ارکتیو) هستند و در این مورد با دیگر زبان‌گونه‌های فیروزآباد کاملاً متفاوت‌اند. نشانه معرفه در گویش‌های دادنجانی، بایگانی، لُردارنگانی و دهرمی u/ow، در حیاتی eku/aku، در دژگاهی a/aku، و در قشقای پسوند معرفه وجود ندارد؛ بلکه ضمیر اشاره پیش از اسم می‌آید. نشانه جمع در دادنجانی، بایگانی، حیاتی، لُردارنگانی و دهرمی -eyl /-al است که در مواردی، با افزودن نشانه معرفه (u) به -eylu/-alu تغییر می‌کند. نشانه جمع در دژگاهی a و در گویش قشقای -lar است. در گویش‌های مورد مطالعه، صفت شبیه به فارسی است، جز در صفت عالی که به گونه‌ای دیگر ادا می‌شود.

کتاب‌نامه:

۱. ابن بلخی، (۱۹۲۱م.)، *فارسنامه*، تصحیح گای لیسترانج و رینولد الن نیکلسون، لندن، دارالفنون کمبریج.
۲. امیری، سیدرزاق، (۱۳۸۲)، *تاریخ و فرهنگ مردم فرشبند*، شیراز، انتشارات نوید.
۳. حسینی فسایی، حاج میرزا حسن، (۱۳۶۷)، *فارسنامه ناصری*، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۴. دومورینی، ژ، (۱۳۷۵)، *عشایر فارس*، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. کریستن‌سن، آرتور، (۱۳۵۱)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات ابن‌سینا، تهران.
۶. معین، محمد، (۱۳۶۳)، *فرهنگ فارسی*، انتشارات امیرکبیر، تهران.

